

نقد و بررسی روایات اهل سنت پیرامون مصحف امام علی علیه السلام

مهدی عبادی^۱

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۲۴

کاوش در روایات اهل سنت درباره مصحف امام علی علیه السلام، ما را بدین نکته رهنمون می‌سازد که این میراث گرانبهای شیعه واقعیت خارجی داشته، و نزد امامان شیعه نگهداری می‌شده و از منابع علم ایشان بوده است، چنان که هم‌اکنون نیز نزد امام مهدی علیه السلام نگهداری می‌شود. حاشیه‌های این قرآن گرانقدر مشتمل بر تفسیر و احکام فراوانی است و بر خلاف تصور نادرست روایات اهل سنت محدود به چند حکم فقهی نیست. بر این اساس، امام علی علیه السلام، اولین گردآورنده قرآن است. علاوه بر آنکه محتویات مصحف و نیز بررسی نپذیرفتن آن از سوی دستگاه حاکم به هنگام عرضه آن، پرده از برخی شبهات اعتقادی برمی‌دارد و شیعه را از تهمت تحریف قرآن می‌رهاند.

کلید واژه‌ها: مصحف، امام علی علیه السلام، اهل سنت، جمع قرآن.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی. mahdi.ebadi65@gmail.com.

در ضمن نقد آنها، به اصلاح آنها با توجه به روایات خود اهل سنت و روایات شیعه پردازیم.

در این بررسی ابتدا مفهوم مصحف در لغت و اصطلاح را توضیح داده‌ایم، سپس ویژگی‌های مصحف امام علی علیه السلام و راویان آن را ذکر می‌کنیم. در ادامه مصحف علی علیه السلام را در منابع شیعه و سرانجام آن را شرح می‌دهیم. بعد از آن به بررسی روایات اهل سنت پرداخته و این روایات را نقد و بررسی کرده و به برخی اشکالات پاسخ می‌دهیم و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث‌ها را ارائه می‌کنیم.

مفهوم مصحف

۱- مصحف در لغت

مصحف در اصل به معنای انبساط و گسترده‌شدن چیزی است و صورتی را که باز و منبسط باشد و همچنین صفحه‌ای را که در آن چیزی بنویسند، صحیفه گویند. از آنجا که دفتر و کتاب باز بوده و فضایی برای نوشتن دارند، به دفتر و کتاب صحیفه اطلاق می‌شود.^۱

مصحف امام علی علیه السلام یکی از بحث برانگیزترین موضوعات بحث جمع قرآن به‌شمار می‌آید. از آنجا که این مصحف، ویژگی‌های خاصی داشته و اکنون نیز در دسترس نمی‌باشد، اختلافات بسیاری را باعث شده است. این بحث نه تنها برخی اختلافات عقیدتی بین شیعه و سنی را حل می‌کند، بلکه به حل شدن برخی مباحث علمی دیگری همچون مسئله جمع قرآن و بحث تحریف قرآن می‌انجامد.

از آنجا که پژوهش در این زمینه به تتبع روایات و بررسی آنها نیاز دارد، و منابع شیعه و سنی نیز از روایات مربوط به این مبحث سرشار است، برای رسیدن به اهداف این پژوهش به بررسی روایی مسئله می‌پردازیم.

از طرف دیگر سعی کرده‌ایم برای رسیدن به این هدف، روایات اهل سنت را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم، تا اولاً اهداف خود را از منابع اهل سنت به دست آورده باشیم، تا نوعی حجت‌تمامی هم برای خود و هم برای اهل سنت باشد و ثانیاً، موارد نقض و اشکال در این روایات را بررسی کرده و

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، دفتر

زمخشری (۵۲۸م) می‌گوید: «صحیفه قطعه‌ای از پوست یا کاغذ است که در آن چیزی بنویسند.»^۱

مصحف را به این دلیل مصحف می‌گویند که جامع اوراق و صفحه‌هایی است که در میان دو جلد قرار می‌گیرد.^۲

راغب در *مفردات* می‌نویسد: «و المصحف ما جعل جامعاً للمصحف المكتوبه»؛^۳ مصحف آن است که ورقه‌های نوشته را در یک‌جا جمع کنند. بنابراین هنگامی که تعدادی صحیفه در کنار هم قرار گیرند به آن صحف اطلاق شده و این صحف و اوراق با قرار گرفتن در بین دو لوح یا دو جلد به صورت مدون، مصحف را تشکیل می‌دهند.

۲- مصحف در اصطلاح

از منابع استفاده می‌شود که مصحف

→ تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۳۴.

۱. زمخشری، محمود بن عمر، *اساس البلاغه*، تحقیق عبدالرحیم بن محمود، بیروت، دارالبیروت، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۹.

۲. ابن مکرم، محمد، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۸۶.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن احمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا، ص ۴۷۶.

عنوانی ویژه برای قرآن نبوده است، بلکه هر متنی که در میان دو جلد یا دو لوح قرار می‌گرفت، مصحف نامیده می‌شده است. از این‌رو صحیفه، مصحف و مصاحف، قبل از نزول قرآن به کتاب‌ها و نوشته‌های اهل کتاب نیز اطلاق می‌شده است.^۴ در آغاز به قرآن مصحف می‌گفتند؛ زیرا همانند هر کتاب دیگری، مجموعه‌ای از صفحات نوشته شده پیوسته بوده است، که معمولاً با نخ دوخته می‌شده یا در جلدی قرار می‌گرفته است. شاهد بر این معنا به‌کارگیری این کلمه برای کتاب‌های غیر قرآنی است و نمونه آن مصحف فاطمه علیها السلام است. بنابراین مصحف الزاماً به معنای قرآن نبود. تعبیر به مصحف در آن دوران، عام‌تر از معنایی است که ما اکنون از آن می‌فهمیم و شامل هرگونه کتابی می‌شده است.^۵ از آن پس به تدریج این نام، تنها برای قرآن به کار رفته است.

۴. نکونام، جعفر، *پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام*، رشت، کتاب مبین ۱۳۸۲ش، ص ۱۲.

۵. بنگرید به: ایازی، محمدعلی، *کاوشی در جمع قرآن*، رشت، کتاب مبین، ۱۳۷۸ش، ص ۸۶ و ۸۷.

ویژگی‌های مصحف امام علی علیه السلام

محققان ویژگی‌های خاصی را برای مصحف علی علیه السلام بر شمرده‌اند؛ از جمله اینکه:

۱- این مصحف نصّ دقیق همه آیات قرآن را بدون هیچ تغییر و کاستی در برداشت^۱.

۲- ترتیب دقیق آیات و سوره، طبق نزول آنها رعایت شده بود؛ یعنی در این مصحف، مکی پیش از مدنی آمده بود و مراحل و سیر تاریخی نزول آیات روشن بود. بدین وسیله سیر تشریح و احکام، مخصوصاً مسئله ناسخ و منسوخ در قرآن به خوبی بدست می‌آمد^۲.

۳- قرائت آیات، طبق قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که اصیل‌ترین قرائت بود، ثبت شده بود^۳.

۴- مشتمل بر تنزیل و تأویل بود؛ یعنی موارد نزول و مناسبت‌هایی را که موجب نزول آیات و سوره‌ها بود، در حاشیه

مصحف توضیح می‌داد. این حواشی بهترین وسیله برای فهم معانی قرآن و رفع بسیاری از مبهمات بوده و نیز در حواشی آن تأویلاتی وجود داشته است^۴.

۵- از دیگر ویژگی‌ها، مشخص نمودن متشابهات از محکّمات و تبیین متشابهات است^۵.

۶- این مصحف با دست ایشان کتابت و تکمیل شده است^۶.

۷- نام‌های اهل حق و باطل را بر شمرده، و رسوایی‌های گروهی از مهاجران و انصار یا منافقان در آن آمده است^۷.

راویان مصحف امام علی علیه السلام

راویانی که به وجود مصحف امام علی علیه السلام تصریح کرده یا مسئله گردآوری و داشتن قرآن حضرت را یادآور شده‌اند به شرح زیر می‌باشند:

۴. همان.

۵. ناصحیان، پیشین، ص ۱۵۷.

۶. موسوی مبلّغ، سید محمدحسین، «مصحف امام علی از منظر قرآن پژوهان»، مجله مشکوة، شماره ۶۸ و ۶۹، ص ۲۵.

۷. مظلومی، رجب‌علی، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی (سرگذشت قرآن)، آفاق، ۱۳۶۰ ش، ص ۸۳.

۱. ناصحیان، علی اصغر، علوم قرآنی در گفتار معصومان علیهم السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رضوی، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۵۶.

۲. معرفت، محمدهادی، التمهید، قم، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۲۱.

۳. همان.

۱- سلیم بن قیس هلالی (م ۷۶) در کتاب خود از مصحف سخن‌های فراوان گفته و این اخبار را از صحابی پیامبر اکرم ﷺ و یاران نزدیک امام علی علیه السلام نقل کرده است؛ مانند: ابوذر، سلمان، و ابن عباس^۱.

۲- ابن عباس (م ۶۸) از روایانی است که به طور مستقل از او درباره مصحف نقل شده است؛ به طور نمونه؛

«قال ابن عباس: فجمع الله القرآن في قلب عليّ و جمعه عليّ بعد فوت رسول الله بستة أشهر»^۲؛ خداوند قرآن را در قلب علی علیه السلام حفظ کرد و علی علیه السلام آن را پس از فوت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدت شش ماه گردآورد.

۳- عبدخیر بن یزید همدانی (م ۹۰) از اصحاب امام علی علیه السلام چنین نقل می‌کند: «فهو أوّل مصحف جمع فيه القرآن، جمعه من قلبه و كان عند آل جعفر»^۳؛

حضرت علی اولین کسی است که قرآن را در مصحف جمع کرد و آن را از روی حافظه شخصی جمع کرد و نزد آل جعفر نگهداری می‌شده است.

۴- عکرمه بن خالد بربری (م ۱۰۷) ابو عبدالله مدنی، مولی ابن عباس است که در ضمن گزارش گردآوری قرآن، به نقل از حضرت می‌گوید؛

«فإنّی خشیت أن ينقلب القرآن»^۴؛ همانا من ترسیدم که در قرآن دگرگونی (و تحریف) پیش آید.

۵- حسکانی از فردی به نام یمان این قضیه را نقل می‌کند:

«عن يمان قال: لما قبض النبي أقسم عليّ - أو حلف - أن لا يضع رداءه حتّى يجمع القرآن بين اللوحين، فلم يضع رداءه على ظهره حتّى جمع القرآن»^۵؛ چون پیامبر صلی الله علیه و آله وفات نمود، علی علیه السلام قسم یاد کرد که ردا بر دوش نگیرد تا اینکه قرآن را بین دو لوح گرد آورد؛ پس ردا بر دوش نگرفت تا چنین کرد و قرآن را گرد آورد.

۶- محمد بن سیرین (م ۱۱۰) از

۱. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس هلالی، بیروت، بی تا، ص ۵۸۱، ۶۲۵، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۵، ۸۶۳.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۰.

۳. حسکانی، عییدالله، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۶.

۴. همان، ص ۳۷.

۵. همان.

کسانی است که داستان مصحف علی علیه السلام را با نقل‌های گوناگونی بازگو می‌کند:

«اشعث عن محمد بن سیرین قال: لما توفى النبي أقسم على أن لا يرتدي برداء إلا لجمعة حتى يجمع القرآن في مصحف، ففعل، فأرسل إليه أبوبكر بعد أيام: أكرهت إمارتي يا أبا الحسن؟ قال: لا والله، إلا أني أقسمت أن لا أرتدي برداء إلا لجمعة، فبايعه ثم رجع.»^۱؛ اشعث از محمد بن سیرین نقل می‌کند: چون پیامبر وفات کرد، علی سوگند خورد که عبا بر دوش نگیرد مگر برای نماز جمعه، تا آنکه قرآن را در مصحفی گردآوری کند و این کار را انجام داد. پس از مدتی ابوبکر به سراغ علی علیه السلام فرستاد که ای ابوالحسن، آیا از امارت من ناراحت هستی؟ حضرت فرمود: به خدا خیر، من سوگند خورده‌ام که عبا بر دوش نگیرم جز برای نماز جمعه، لذا با ابوبکر بیعت کرد و بازگشت.

۷- جبلة بن سحيم تميمي شيباني (م ۱۲۵) از پدرش نقل می‌کند که امیرالمؤمنین درباره مصحف خود فرمود:

«لو تُنيت لي الوسادة و عرف لي حقّي، لأخرجتُ لهم مصحفاً كتبته وأملاه عليّ رسولُ الله»^۲؛ اگر برایم فرصت و امکان و قدرتی فراهم شود و حقم شناخته شود مصحفی را که نوشته‌ام برای مردم آشکار می‌کردم؛ مصحفی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را بر من املا کرده است.

۸- ابو رافع مولى رسول الله (م ۳۶) یکی دیگر از صحابیانی است که مسئله مصحف امام علی را مطرح می‌کند. او می‌گوید: پیامبر فرمود: ای علی، این کتاب خدا را بگیر و آن را در پارچه‌ای قرار ده. علی آن را به منزل برد و چون پیامبر وفات کرد، در خانه نشست و همان‌طور که خدا آن را نازل کرده بود قرآن را تألیف کرد و البته او به چگونگی گردآوری آن و تألیف آن آشنا بود.^۳

۹- علی بن رباح لخمی (م ۱۱۴ یا ۱۱۷) نیز همین موضوع را از خطیب خوارزمی (م ۵۶۸) و محمد بن سهل عطار معروف به ابوالعلاء عطار

۱. حسکانی، همان، ص ۳۸.

۲. ابن شهر آشوب، همان، ص ۵۰.

۳. همان.

نقل می‌کند:

«أَنَّ النَّبِيَّ أَمَرَ عَلِيًّا بِتَأْلِيفِ الْقُرْآنِ فَأَلْفَهُ وَكَتَبَهُ»^۱.

۱۰- ابوبکر حضرمی عبدالله بن محمد کوفی، از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام، موضوع مصحف امام علی علیه السلام را از امام صادق نقل می‌کند و در پایان می‌نویسد: «فجمعه فی ثوب أصفر»^۲؛ آن را در پارچه‌ای زردرنگ گردآوری کرد.

افزون بر این راویان، عده‌ای دیگر از اصحاب ائمه به نقل از امام باقر و امام صادق علیهما السلام به گردآوری قرآن به‌دست امام علی علیه السلام و داشتن مصحفی خاص اشاره می‌کنند؛ مانند آنچه سالم بن سلمه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.^۳

مصحف امام علی علیه السلام در منابع شیعه

گرچه در منابع شیعی به مناسبت‌های مختلف از مصحف امام علی علیه السلام بحث

شده و روایات بسیاری در وصف ویژگی‌ها و محتوای آن یاد شده است، از میان کتب چهارگانه معتبر شیعی تنها کتاب شریف کافی است که به شرح مختصری از مصحف به نقل از امام صادق می‌پردازد.

کلینی در اصول کافی به نقل از سالم بن سلمه چنین آورده است:

«قرأ رجل علی أبی عبدالله و أنا استمع حروفاً من القرآن لیس علی ما یقرؤها الناس. فقال أبو عبدالله: کفّ عن هذه القراءة اقرأ كما یقرأ الناس حتی یقوم القائم، فإذا قام القائم علیه السلام قرأ کتاب الله علی حدّه و أخرج المصحف الذی کتبه علی علیه السلام. و قال: أخرج علی علیه السلام إلی الناس حین فرغ منه و کتبه، فقال لهم: هذا کتاب الله كما أنزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله و قد جمعتّه بین اللوحین. فقالوا: هو ذا عندنا مصحف جامع فیه القرآن، لا حاجة لنا فیه. فقال: أما والله ما ترونه بعد یومکم هذا أبداً. إنّما کان علی أن أخبرکم حین جمعتّه لتقرؤوه»^۴؛ سالم

گوید: مردی برای امام صادق علیه السلام قرآن

۴. همان.

۱. همان.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمسی، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۵۵.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۶۳۳.

می‌خواند و من شنیدم که حروفی از آن را آن‌طور که مردم می‌خواندند نمی‌خواند. امام فرمود: از این قرائت خودداری کن. همان‌طور که مردم می‌خوانند تو نیز بخوان، تا آن‌گاه که قائم قیام کند و چون او بیاید، کتاب خدای را بر حد خودش خواهد خواند و آن مصحفی که علی علیه السلام نوشته است، بیرون می‌آورد. و فرمود: علی علیه السلام پس از فراغت از کتابت قرآن، آن را نزد مردم آورد و به آنها گفت: این است کتاب خدا، آن چنان که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، آن را میان دو لوح فراهم آورده‌ام. مردم گفتند: نزد ما مصحفی است که قرآن در آن گرد آمده است و ما به این نیازی نداریم. علی فرمود: به خدا سوگند که هرگز پس از امروز آن را نخواهید دید و فقط بر من بود که پس از فراهم کردن آن، شما را آگاه کنم.

در دیگر منابع شیعه سلیم بن قیس هلالی که از یاران امام علی بوده و کتاب او تا زمان ما محفوظ مانده است، بیشترین اخبار را در زمینه مصحف نقل می‌کند. او این حادثه را در کتاب خود

به شماره حدیث ۴ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۴۲ آورده است.^۱

از دیگر عالمان شیعی، شیخ صدوق در کتاب *توحید* به نقل از جابر بن یزید جعفی، از مصحف یاد کرده است. همچنین علی بن ابراهیم قمی (م ۳۲۰) در تفسیر خودش، محمد بن حسن صفار در کتاب *بصائر الدرجات*، ابونضر محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰) در تفسیر خودش، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶) در کتاب *اثبات الوصیه* و نیز احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی در کتاب *الاحتجاج*، از دیگر عالمان شیعی هستند که در آثار خود به مصحف امام علی علیه السلام پرداخته‌اند.

ابن شهر آشوب محمد بن علی سروی مازندرانی (م ۵۸۸) در *مناقب آل ابی طالب* از دیگر نویسندگانی است که با نقل مصحف امام علی علیه السلام با اتکای به منابع شیعه و سنی، به گزارش کار حضرت می‌پردازد و در ذیل بحث مقایسه علمی به مناقب آن حضرت

۱. رشاد، علی‌اکبر، *دانشنامه امام علی علیه السلام*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش، ج ۱۲، ص ۱۶۷.

اشاره می‌کند.^۱

کرد. ابوبکر آن را گشود، رسوایی‌های قوم را در آن دید. عمر برخاست و گفت: ای علی آن را بازگردان، نیازی بدان نداریم. پس علی علیه السلام آن را برداشت و رفت. پس از آن زید بن ثابت را که قاری قرآن بود آوردند. عمر به او گفت: علی قرآن را نزد ما آورد و رسوایی‌های مهاجرین و انصار نیز در آن بود. رأی ما بر آن است که قرآن را خود گردآوریم و آنچه از این گونه در آن است آن را حذف نماییم؛ پس زید خواسته آنان را اجابت کرد.^۳

روایات اهل سنت در مورد مصحف امام علی علیه السلام

مصحف امام علی علیه السلام در منابع گوناگون اهل سنت نقل شده است و با آنکه بخش‌هایی از آن مورد بحث و تأمل است، ذکر نشانه‌های مصحف و اشاره اجمالی به آن در این منابع، خود نشان دهنده پذیرفتن اصل وجود مصحف از سوی ایشان است.

اخبار مربوط به مصحف امام علی علیه السلام

سرانجام مصحف امام علی علیه السلام

بر اساس روایات، پس از آنکه حضرت علی علیه السلام قرآن را گرد آورد و تألیف نمود، آن را به مسجد آورد و به مسلمانان عرضه نمود و به این وسیله حجت را بر آنان تمام کرد. هنگامی که با اعراض و امتناع آنها مواجه شد، آن را به خانه برد و پنهان کرد، تا مانند دیگر مصاحف طعمه حریق نگردد و بدین سان قرآنی را که از بیت رسول الله صلی الله علیه و آله برگرفته بود، حفظ کرد و آن را به دیگر امامان اهل بیت سپرد. هرگاه که حضرت مهدی ظهور کند و زمام حکومت را به دست گیرد آن را آشکار خواهد کرد و علم آن را به مردم می‌آموزد.^۲

در روایت ابوذر آمده است: «چون رسول خدا از دنیا رفت، علی علیه السلام طبق وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را جمع کرد و نزد مهاجر و انصار آورد و به آنان عرضه

۱. ایازی، محمدعلی، مصحف امام علی علیه السلام، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش، (با تلخیص)، ص ۳۳-۳۸.
۲. ناصحیان، پیشین، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، وفاء، ج ۸۹، ص ۴۲.

را معمولاً ذیل بحث جمع و تألیف قرآن باید پیدا کرد.

نکته قابل توجه این است که در برخی آثار معاصر، هنگامی که از جمع قرآن بحث می‌کنند، یا اخبار این موضوع کاملاً حذف گردیده و اصلاً هیچ اشاره‌ای به این مصحف نشده است^۱، یا اینکه اگر هم آمده باشد تنها خلاصه‌وار به آن اشاره شده است.^۲

با اینکه وجود روایات اهل سنت در این زمینه، برای اثبات وجود این مصحف و تأیید روایات شیعه، بسیار خوب و قابل استفاده است، مفاد همه این روایات را به نحو کامل نمی‌توان پذیرفت، و در برخی روایت‌ها و بخش‌هایی از آنها اشکالاتی وجود دارد که آنها را موافق با روایات شیعه و اصول مکتب تشیع نمی‌دانیم.

در ادامه پس از نقل روایات اهل سنت، سعی شده موارد مزبور با نگاه به

اصول فکری و روایات شیعه، تصحیح و تکمیل شوند.

الف) نقل روایات

۱- الفهرست ابن ندیم

«ابن مغازی گوید: «حسن بن عباس برای من نقل کرد که وی از عبدالرحمان بن ابی حماد و او از حکم بن ظهیر سدوسی و او از عبدخیر از علی ع شنیده است که در وقت رحلت رسول خدا در مردم حالت بدبینی مشاهده می‌نماید و از این جهت سوگند یاد می‌کند جامه بر تن نگیرد مگر پس از جمع‌آوری قرآن. و به همین منظور سه روز در خانه نشست و به جمع قرآن پرداخت. و او اولین کسی است که از حافظه خود قرآن را جمع کرد و آن قرآن در خاندان آل جعفر نگهداری می‌شد. و من نزد ابویعلی حمزه حسنی قرآنی به خط علی بن ابی طالب دیدم که چند ورقی از آن افتاده بود. و آن قرآن در خاندان حسن به توارث مانده بود و ترتیب سوره‌های آن چنین است...»^۳

۳. ابن ندیم، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش، ص ۴۷.

۱. بنگرید به: صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، چاپ دهم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۷م، ص ۷۴.

۲. بنگرید به: ابوریه، محمود، اضواء علی السنة المحمدية أو دفاع عن الحديث، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ص ۲۴۹.

روایت *الفهرست* تا همین جا می‌باشد و ترتیب سوره‌ها را دیگر نمی‌آورد. گویی که ذکر ترتیب سور از اصل نسخه افتاده است، لکن یعقوبی در جزء دوم تاریخش آنرا آورده است و ترتیب آنرا در هفت جزء کلی ذکر می‌کند.^۱

۲- طبقات ابن سعد

«اسماعیل بن ابراهیم از ایوب و ابن‌عون از محمد (ابن سیرین) نقل می‌کند که می‌گفته است، مرا خبر رسیده است که چون علی علیه السلام در بیعت با ابوبکر تأخیر فرمود، ابوبکر گفت: آیا از امارت ما اکراه داری؟ علی فرمود: نه، ولی سوگند خورده‌ام که جز برای نماز ردا نپوشم، تا اینکه تمام قرآن را جمع کنم.

هم او گوید: چنین نقل کنند که علی قرآن را به ترتیب نزول نوشته است. محمد گوید: اگر آن قرآن در دسترس قرار گیرد علم فراوانی در آن خواهد بود. ابن‌عون گوید: در مورد این قرآن از

عکرمه پرسیدم، آنرا نمی‌شناخت»^۲.

۳- المصاحف ابن ابی‌داود سجستانی

عبدالله گفت: محمد بن اسماعیل احمسی از ابن فضیل از اشعث از محمد بن سیرین که گفته است: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کردند، علی علیه السلام سوگند خورد که تا قرآن را جمع نکرده است عبا بر دوش خود نیندازد مگر برای نماز جمعه و او آنرا جمع کرد.^۳

۴- فضایل القرآن ابن‌ضریح

از بشر بن موسی از هوزة بن خلیفه از عون از محمد بن سیرین از عکرمه که گفت: «وقتی مراسم بیعت با ابوبکر پایان یافت، علی علیه السلام در خانه نشست. پس ابوبکر در پی او فرستاد و گفت: آیا از بیعت من اکراه داشتی؟ علی علیه السلام گفت: نه، به خدا سوگند. گفت: پس چرا از ما کناره گرفتی؟ حضرت فرمود: دیدم ممکن است در کتاب خدا افزوده شود،

۲. واقدی، محمد بن سعد، *طبقات*، ترجمه مهدوی دامغانی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۹ش، ج ۲، ص ۴۰۶.

۳. سجستانی، ابن ابی‌داود، *المصاحف*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق، ص ۱۶.

۱. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۱۵.

پس با خود گفتم که ردایم را جز برای نماز نپوشم تا اینکه آنرا جمع کنم. ابوبکر به او گفت: خوب فکری اندیشیده‌ای.

محمد بن سیرین گوید: به عکرمه گفتم: آیا چنان که نازل شد، آنرا جمع کرد؟ جواب داد: اگر جن و انس جمع می‌شدند تا آنرا بدین گونه که نازل شده است تألیف کنند، نمی‌توانستند!

۵- الاتقان سیوطی

سیوطی در بخش جمع قرآن علاوه بر اینکه همان روایات ابن ابی‌داود را در *المصاحف* می‌آورد، روایت دیگری نیز از *المصاحف* نقل می‌کند: «ابن‌اشته در *المصاحف* به طریقی دیگری روایتی از ابن‌سیرین آورده است. او در مصحفش ناسخ و منسوخ را نوشته است. ابن‌سیرین گفته: آن کتاب را طلبیدم و به توسط نامه آنرا از مدینه خواستم، ولی به آن دست نیافتم».^۲

۱. سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، تصحیح و تحقیق مهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ش، ص ۲۰۴.
۲. همان، ص ۲۰۵.

ب) نقد و بررسی روایات

۱- اولین نکته‌ای که در این روایات به چشم می‌خورد، این است که حضرت علی علیه‌السلام سوگند یاد کرده است که ردا بر دوش نگیرد جز اینکه قرآن را جمع کند. این مطلب در روایات شیعه نیز وجود دارد، ولی در روایات اهل سنت به علت اتخاذ چنین تصمیمی از سوی حضرت اشاره نمی‌کنند. تنها در روایت *الفهرست* ابن‌ندیم چنین آمده بود: «بعد از آنکه از مردم بدینی و به تعبیر دیگر سبک‌سری مشاهده نمود چنین سوگندی خورد».^۳ اما بر اساس روایات شیعه پیامبر در آخرین لحظات عمر خودشان به حضرت علی جمع قرآن را در یک مصحف سفارش کردند.

در روایت ابورافع آمده است: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمان بیماری‌ای که با آن وفات کرد به علی علیه‌السلام فرمود: ای علی این کتاب خداست، آنرا بگیر. علی آنرا در جامه‌ای گرد آورد و به منزلش رفت. وقتی جان مبارک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برگرفته شد در خانه نشست و آنرا

۳. ابن‌ندیم، پیشین، ص ۴۷.

چنان که خدا نازل کرده بود مرتب کرد و به آن آگاه بود.^۱

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، پشت بستر من در صحیفه‌ها، پارچه‌های حریر و کاغذ است، آنرا بگیرد و جمع کنی و مانند یهود که تورات را ضایع کردند آنرا ضایع نکنی؛ پس علی علیه السلام آنرا در جامه‌ای زرد رنگ پیچید و بر آن مهر زد و فرمود: ردا نمی‌پوشم تا آنرا گرد آورم».^۲

بدین سان بر پایه چنین وصیتی است که کار حضرت، حجیت شرعی (علاوه بر حجیت عقلی) پیدا می‌کند و در نتیجه قبول نکردن چنین مصحفی از سوی دستگاه حاکم، نشان از پشت پا زدن به دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله و نادیده انگاشتن حجج شرعی می‌باشد.

شاید یکی از علل یاد نکردن این بخش از قضیه در روایات اهل سنت و خلاصه‌گویی در این زمینه، ترس از مواجهه با چنین تنگناهایی بوده است.

۲- در روایت *الفهرست* آمده است که حضرت علی علیه السلام قرآن را از حافظه خویش جمع کرد، حال آنکه این سخن نادرست است؛ چرا که در روایات شیعه آمده است که پیامبر وصیت کرد قرآن را از صحیفه‌های پشت خوابگاه جمع کنند. این سخن پیامبر نشان از این دارد که مصحف امام علی علیه السلام متکی بر صحیفه‌هایی از قبل نوشته شده است.

همچنین این سخن پیامبر، اعتماد بالای ایشان به علی علیه السلام را می‌رساند و تقدم و برتری علی را بر دیگران اثبات می‌کند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که اگر حضرت این مصحف را به دستور مستقیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمع کرده است، چرا دستگاه حاکم از قبول این مصحف سر باز زد؟

جواب به این سؤال نیز در روایت ابوذر آمده که از کتاب سلیم در بخش سرانجام مصحف امام علی علیه السلام، و نیز در روایت‌های دیگر (مثل روایت سلمان) در همان کتاب سلیم بن قیس کاملاً روشن شد و آن هم این بود که قبول این مصحف مساوی با پذیرش تفسیر و تأویل‌ها و شأن نزول‌های حاشیه آن بود

۱. ابن شهر آشوب، پیشین، ص ۲۶۶.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، پیشین، ص ۴۵۱.

و این بدان معنا بود که تمام انحرافات که پس از پیامبر توسط حاکمان غاصب، چه در زمینه خود خلافت و چه در مسائل فردی و اجتماعی و احکام و اخلاق پدید آمده است، بدعت‌هایی روشن و انحرافات واضح از جریان حق و حقیقت و همه بر خلاف مبانی اسلام اصیل است.

۳- با توجه به دو نکته مزبور، این نکته نیز روشن می‌شود که چرا در روایت *طبقات ابن سعد و فضائل القرآن*، گفت‌وگوی (ساختگی) ابوبکر و حضرت علی علیه السلام مطرح می‌شود؟

در این روایت‌ها این طور مطرح می‌کنند که حضرت علی در جواب ابوبکر برای عدم بیعت با او تا آن زمان، چنین پاسخ می‌دهد که به خدا سوگند من با شما مشکلی ندارم و از امارت و حکومت شما اگره ندارم (بلکه راضی هستم)؛ علت عدم بیعت من تا این زمان به سبب اشتغال به جمع قرآن بوده است. حتی ابوبکر در تأیید این جواب می‌گوید: خوب فکری اندیشیده‌ای.

این نوع گفت‌وگو و سخنان حضرت بر خلاف روایات بسیاری در تاریخ است که نشان از نارضایتی حضرت از

غصب منصب خلافت پیامبر دارد. این بخش روایات با اصول و مبانی و خط فکری شیعه (چه عقلی و چه نقلی) تضاد دارد و همه ما و حتی اهل سنت و چه بسا روایان این احادیث، می‌دانند که حضرت علی علیه السلام سردسته مخالفان غاصبان خلافت می‌باشند و اصلاً منشأ تمام تضادها و تفاوت‌های شیعه و سنی همین مسئله خلافت می‌باشد.

درباره چرایی نقل این گفت‌وگوی ساختگی در این روایات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اولاً به نوعی از مسئله جمع قرآن به دست حضرت علی علیه السلام سوء استفاده کرده، علت تعلل حضرت در بیعت را اشتغال به این کار (و نه مخالفت با حکومت) وانمود کنند.

ثانیاً مسئله مصحف حضرت را به تأیید ابوبکر برسانند و مشروعیت آن را (به جای اذن و وصیت پیامبر به حضرت علی در این کار) به ابوبکر نسبت دهند و این از آنجا روشن می‌شود که ابوبکر در جواب تعلل حضرت علی گفت: خوب فکری اندیشیده‌ای. و چه خوب کاری کرده‌ای که مصحف را جمع کرده‌ای؛ پس ما به تو اذن می‌دهیم و نیز

موافق با جمع قرآن هستیم.

قبول نکرد؟

ثالثاً اینکه ابوبکر به این کار حضرت اذن داده باشد نشان از توجه او به حفظ اسلام و قرآن دارد و این امر (حفظ قرآن) آن قدر برای او اهمیت دارد که حتی اگر کسی بیعت با او را برای چنین کاری به تأخیر بیندازد جای حرج بر او نیست و مؤاخذه ندارد.

اگر گفته شود که خلیفه (ابوبکر) نمی‌توانست در برابر اکثریت مخالف بایستد؟ در پاسخ می‌گوییم: چگونه در مسئله مهم و پرخطری چون خلافت در برابر همگان ایستاد و حرف خودش را غلبه داد، ولی اینجا نتوانست مقاومت کند؟

۴- دیگر اشکالی که در روایات مربوط وجود دارد، همان تأیید ابوبکر بر این کار (جمع قرآن به دست امام علی) است. اگر ابوبکر در تأیید این کار می‌گوید: فکر خوبی کرده‌ای، پس چرا وقتی علی این قرآن را بر اشتري نهاده، به مسجد می‌آورد و بر مسلمانان عرضه می‌کند، از قبول آن سر باز می‌زند و در جواب می‌گوید که نزد ما قرآن هست و ما را به این مصحف نیازی نیست.^۱

و نیز می‌پرسیم: آیا او نمی‌توانست اکنون به عنوان خلیفه مسلمانان با حکم حکومتی، اکثریت مخالف را در قبول این مصحف همراه خود کند؟

آیا این امر تناقض در گفتار و رفتار ابوبکر نمی‌باشد؟ مگر چه چیزی در آن مصحف وجود داشت که هنگامی که عرضه شد از قبول آن سر باز زدند؟ و چرا ابوبکر این کار تأیید شده خود را

۵- تناقض دیگری که در روایات اهل سنت وجود دارد، این است که در روایت *طبقات ابن سعد*، عکرمه در جواب ابن عون که می‌پرسد آیا این مصحف را می‌شناسد؟ جواب می‌دهد که آن را نمی‌شناسد.^۲

و حال آنکه در روایت *فضائل القرآن*، محمد بن سیرین به عکرمه می‌گوید آیا چنان که نازل شد آن را جمع کرد؟ عکرمه در پاسخ می‌گوید: اگر جن و انس جمع می‌شدند تا آن را بدین گونه

۱. ابن شهر آشوب، پیشین، ص ۱۵.

۲. ناصحیان، پیشین، ص ۱۵۵.

۳. ابن سعد، پیشین، ص ۴۰۶.

تألیف کنند، نمی‌توانستند.^۱

حتی در این روایت ابن‌سیرین از عکرمه خبر مصحف را نقل می‌کند و اینها دلیل بر شناخت او (عکرمه) از آن مصحف است.

عکرمه (م ۱۰۵) از شاگردان مکتب تفسیری ابن‌عباس در مکه و آزادشده (مولی) ابن‌عباس بوده و در سیره نیز مشهور بود که داناترین مردم بوده است.^۲ او از خوارج به شمار آمده است و جمعی از عالمان شیعه مانند علامه حلی و محدث قمی او را از مفسران شیعه نمی‌دانند و درباره او گویند: او از امامیه نبوده است.^۳

حال به بررسی ادعای عکرمه می‌پردازیم:

اولاً در کلام عکرمه یک تناقض آشکار وجود دارد. عدم شناخت او از این مصحف به چه دلیل است؟ آیا واقعاً آن را نمی‌شناخته یا اینکه نمی‌خواست به شناسد؟ آیا به این دلیل نبوده است که نمی‌خواست

چنین مصحف و ویژگی‌ها و مشخصات آن برای دیگران شناخته شود؟ آیا این کارش به سبب منع حکومتی بوده یا خصومت شخصی باعث این کار شده است؟ جواب به این سؤالات حقایق دیگری را در زمینه مصحف روشن خواهد کرد.

۶- نکته بسیار مهمی که غافلانه یا بیشتر عامدانه در روایات اهل سنت به چشم می‌خورد، این است که این روایات به سرنوشت مصحف علی علیه السلام نمی‌پردازند و اینکه این مصحف پس از جمع‌آوری چه شد و چرا در دسترس همگان قرار نگرفت؟

در روایت *طبقات* ابن‌سعد آمده است: محمد بن سیرین می‌گوید: اگر آن قرآن در دسترس قرار گیرد علم فراوانی در آن خواهد بود.^۴

بدین سان معلوم می‌شود این مصحف از دسترس عموم خارج است؛ اما چرایی این امر روشن نشده است. آیا آن همه زحمت از سوی علی علیه السلام و حتی تأخیر در بیعت با خلیفه مسلمین و حتی تأیید

۱. سیوطی، پیشین، ص ۲۰۴.

۲. مؤدب، سیدرضا، روش‌های تفسیر قرآن، دانشگاه

قم، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۶۸ و ۶۹.

۴. ابن‌سعد، پیشین، ص ۴۰۶.

خلیفه بر این کار، بی نتیجه بوده است؟
تنها در روایت *الفهرست* ابن ندیم به
سرنوشت مصحف اشاره اجمالی می کند
و می گوید که این مصحف هم اکنون
نزد خاندان آل جعفر نگهداری می شود.^۱
اما هنوز این سؤال باقی است که چرا
این مصحف در اختیار یک خاندان
خاص باشد؟ و چرا از آغاز در دسترس
همگان قرار نگرفت؟

جواب این سؤالات کاملاً مشخص
است، آیا نه این است که این مصحف
عرضه شد، ولی با اعراض و بی مهری
دستگاه حاکم مواجه شد؟

حذف این مقطع از موضوع مصحف
علی علیه السلام، در منابع اهل سنت برای فرار از
پاسخ دادن به این سؤالات و ایرادات بوده
است و این موارد با مراجعه به منابع شیعه
کاملاً روشن می شود.

۷- در روایت *الفهرست* ابن ندیم آمده
است که ابن مغازی گوید: من نزد
ابویعلی حمزه حسنی قرآنی به خط
امیرالمؤمنین دیدم که چند ورقی از آن
افتاده بود.^۲ و در روایت سیوطی در

الاتقان آمده است: محمد بن سیرین
گوید: آن کتاب را طلیدم و به توسط
نامه آنرا از مدینه طلب کردم، ولی به آن
دست نیافتم.^۳

در روایات شیعه آمده است که این
مصحف از گنجینه های امامت است؛ لذا
در دست دیگر افراد حتی از خاندان اهل
بیت (مثل ابویعلی حمزه حسنی)
نمی توانست قرار بگیرد.^۴ نیز این گنجینه
در دست امامان بسیار محفوظ بوده
است، لذا افتادن اوراقی از آن بعید به
نظر می رسد.

همچنین این ارثیه را تنها معدودی از
اصحاب ائمه توانسته اند ببینند و به
ندرت شده که آنرا به مدت کوتاهی
امانت گرفته باشند، ولی لحن این کلام
که نزد ابویعلی حمزه حسنی نگهداری
می شده عاری از این نکته می باشد که
نشان دهد این مصحف در دست
ابویعلی به صورت امانت قرار داشته
است، نکته دیگر آنکه این مصحف به

۳. سیوطی، پیشین، ص ۲۰۵.

۴. العاملی، اکرم برکات، *حقیقة مصحف فاطمه عند
الشیعة*، چاپ دوم، بیروت، دارالصفوه، ۱۴۲۵ق،
ص ۱۵۸.

۱. ابن ندیم، پیشین، ص ۴۷.

۲. همان.

دلایلی که گفتیم، آن چنان همگانی نشده بود که ابن سیرین به راحتی بتواند بر آن دست یابد و حتی این کار را توسط نامه انجام دهد.

او که خود می دانسته این مصحف همگانی نشده بوده و در دسترس خاندان خاصی (آل جعفر) قرار دارد چطور انتظار دستیابی به آن را داشته است؟ پس این گفته ابن سیرین را یا باید بر غفلت و بی اطلاعی او از این ماجرا حمل کنیم که این امر بسیار بعید است، یا اینکه بگوییم او این قضیه را فراموش کرده است که این نیز بعید است، یا بر این حمل کنیم که اساساً ابن سیرین چنین طلبی نداشته است و این بخش ساختگی می باشد، تا شاید قضیه مصحف را امری ساده نشان دهند که به راحتی می توان به آن دست یافت و در نتیجه قضیه میراث امامت را بی معنا جلوه دهند یا اینکه می خواهد بفهماند که این مصحف اکنون مجهول المکان است و معلوم نیست که اکنون هم وجود خارجی داشته باشد.

۸- از میان منابعی که ذکر کردیم، روایات *المصاحف* ابن ابی داود سجستانی در سردرگمی خاصی به سر می برند.

او از یک سو در روایتی علی ع را اولین جمع کننده قرآن معرفی می کند و در روایتی دیگر ابوبکر را و از سوی دیگر روایتی می آورد و سالم مولی ابی حذیفه را اولین جمع کننده قرآن می نامد!

وجود این روایات متعارض اگرچه سر در گمی نویسنده را نشان می دهد، این نکته را نیز می نمایاند که نویسنده با تمام تعصبی که داشته است، نتوانسته از اخبار مربوط به مصحف علی ع به آسانی بگذرد و ناچار به نقل روایت مربوط به آن بوده است.

ج) جمع بندی و نتیجه گیری

هدف ما از تتبع و بررسی روایات اهل سنت در زمینه مصحف امام علی اثبات چند امر می باشد که هر یک از آنها ممکن است شبهات و ابهاماتی دیگر را روشن کند:

۱- اثبات جمع آوری و نگاشته شدن قرآن به دست علی ع، و وجود چنین مصحفی، آشکار می کند پیامبر ص و علی ع نسبت به امور اسلام، مسلمانان

۱. سیوطی، پیشین، ص ۲۰۴..

و قرآن بسیار حسّاس بودند. بدعت و خروج از اسلام قرار ندارند، بلکه حتی از دیگر فرقه‌های مسلمانان هدایت‌یافته‌تر و برحق می‌باشند.

۶- اثبات چنین مصحفی شبهه ایجاد تحریف در قرآن بعد از رحلت رسول خدا ﷺ را از بین می‌برد. این تکاپوی حضرت در جمع قرآن بلا فاصله بعد از رحلت پیامبر اکرم نشان از این دارد که آخرین منشور هدایتی بشر، یعنی قرآن بدون هیچ تحریف و تغییری گردآوری و حفظ شده و به دست ما رسیده است؛ آن هم به دست عالم‌ترین صحابه رسول خدا ﷺ و آن‌که همیشه از اول تا آخر با پیامبر بوده و تمام آیات قرآن و وحی‌های بر پیامبر را از زبان خودش شنیده و حفظ کرده و با املای پیامبر بر او می‌نگاشته است.

۷- با بررسی روایات مصحف به این نتیجه می‌رسیم که این مصحف هیچ‌گونه مغایرتی در شیوه ترتیب با قرآن موجود فعلی ندارد^۱ - برخلاف روایاتی که ترتیب موجود در مصحف را بر حسب نزول می‌دانند، ما چنین برداشتی نداریم

۱. ایازی، پیشین، ص ۸۵.

و قرآن بسیار حسّاس بودند.

۲- امام علی علیه السلام اولین فرد جمع‌کننده قرآن در یک مصحف به‌طور کامل بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. از این رو نادرستی روایاتی که ابوبکر و عمر یا اشخاصی دیگر را اولین جمع‌کننده معرفی می‌کند آشکار می‌شود و این فضیلت تنها برای علی علیه السلام ثابت می‌شود.

۳- علی علیه السلام قرآن را عرضه کرد، ولی دستگاه حاکم شده بر خلافت، آن را نپذیرفت، و این امر به عنوان یک حجتِ تمامی بر آنان محسوب می‌شود.

۴- عدم پذیرش مصحف بدین دلیل بوده که حاشیه‌اش تفسیرها و تأویل‌ها و نیز شأن نزول‌هایی را دربر داشته که پرده از برخی چهره‌ها و انگیزه‌ها برمی‌داشته و راه‌های حق و باطل را به خوبی نشان می‌داده است.

۵- اگرچه مصحف امام علی علیه السلام پذیرفته نشد و در دسترس همگان نتوانست قرار بگیرد، با ارث گذاشتن این گنجینه علمی برای اهل بیت علیهم السلام و استفاده آنان از این گنجینه تفسیری به این نتیجه می‌رسیم که مکتب اهل بیت علیهم السلام غنی‌ترین مکتب در بین مکاتب موجود در اسلام است و پیروان این مکتب نه تنها در ورطه

- و حتی الفاظ آن با قرآن موجود هماهنگی دارد؛ بدین سان تهمت و شبهه کسانی که (بخصوص برخی از اهل سنت همچون وهابی‌ها) اعتقاد دارند شیعیان قائل به تحریف قرآن هستند، دفع می‌شود. و اضافات آن مصحف تنها نکات تفسیری بوده و در حواشی و جدای از متن اصلی قرآن قرار داشته است.

اعتمادترند و بدون تعصب و غرض‌ورزی روایات را نقل می‌کنند و در این قضیه با تعصب و غرض‌ورزی، اخبار این موضوع را تحریف کرده‌اند یا اصلاً صورت مسئله را پاک کرده و اقوال متضاد دیگری گفته‌اند. همچنین اهداف و علل این تعصبات و اقوال متضاد را یادآور شدیم.

منابع

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ق.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۳. هلالی، سلیم بن قیس، سلیم، کتاب سلیم بن قیس هلالی، بیروت، بی تا.
۴. ابن مکرّم، محمد، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶ش.
۶. ابوریه، محمود، اضواء علی السنة المحمدیة أو دفاع عن الحدیث، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
۷. العاملی، اکرم برکات، حقیقة مصحف فاطمة عند الشیعة، چاپ دوم، بیروت، دارالصفوه، ۱۴۲۵ق.
۸. ایازی، محمدعلی، کاوشی در جمع قرآن،

سخن پایانی

بعد از بررسی روایات اهل سنت درباره مصحف امام علی علیه السلام موارد ذیل آشکار شد:

اولاً این روایات اگرچه کم و کلی هستند، در اصل وجود مصحف و ویژگی‌های کلی آن هم‌صدا با روایات شیعه می‌باشند.

ثانیاً در برخی موارد اشکالات و نقدهایی بر آنها وارد است و تمام مفاد آنها پذیرفته نیست؛ چنان‌که در این مقاله سعی کردیم تا موارد اشکال را با توجه به روایات صحیح و کامل شیعه جبران کرده، تصحیح نماییم.

ثالثاً در این بررسی پی بردیم که برخی از منابع اهل سنت قابل

۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، وفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۹. مظلومی، رجب‌علی، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی (سرگذشت قرآن)، بی‌جا، آفاق، ۱۳۶۰ش.
۲۰. معرفت، محمدهادی، التمهید، قم، ۱۳۷۸ش.
۲۱. مؤدب، سیدرضا، روش‌های تفسیر قرآن، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۵ش.
۲۲. موسوی مبلغ، سید محمد حسین، «مصحف امام علی از منظر قرآن پژوهان»، فصلنامه مشکوة، شماره ۶۸ و ۶۹، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۱-۳۳.
۲۳. ناصحیان، علی اصغر، علوم قرآنی در گفتار معصومان علیهم‌السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۹ش.
۲۴. نکونام، جعفر، پژوهشی در مصحف امام علی علیهم‌السلام، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۲ش.
۲۵. واقدی، محمد بن سعد، طبقات، ترجمه مهدی دامغانی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹ش.
۲۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، تصحیح و تحقیق محمدابراهیم آیتسی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ش.
۹. _____، مصحف امام علی علیهم‌السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۱۰. حسکانی، عیدالله، شواهد التنزیل، محمدباقر بهبودی، تهران، مؤسسه الطبع والنشر، ۱۴۱۰ق.
۱۱. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی علیهم‌السلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، تحقیق عبدالرحیم بن محمود، بیروت، دارالبیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۳. سجستانی، ابن ابی داود، المصاحف، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۱۴. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، مهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۱۵. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، چاپ دهم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۷م.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ش.